

امنیت انسانی و دفاع همه‌جانبه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۱۸

علی صباغیان*

چکیده

کنسرسیوم کانادایی امنیت انسانی در سال ۲۰۰۷، امنیت انسانی را رهیافت مردم‌محور به سیاست خارجی تعریف کرده که ثبات پایدار را متکی به حفظ مردم از خطرات و تهدیدات علیه حقوق، سلامتی و حیات آنها می‌داند و بر خلاف امنیت ملی به تهدیدات علیه امنیت افراد جامعه توجه دارد و مطالعات امنیتی را به دفاع از مرزها محدود نمی‌کند. بنابراین، در رهیافت دفاع همه‌جانبه، در کنار توجه به ابعاد نظامی مقابله با تهدیدات، به تهدیداتی که از جانب موضوعات مرتبط با امنیت انسانی مطرح می‌شود نیز باید توجه گردد. این مقاله درصدد است با توجه به رهیافت دفاع همه‌جانبه، ضمن شناسایی تهدیداتی که از عرصه امنیت انسانی برای امنیت ملی ایجاد می‌شود، شیوه‌های تأثیرگذاری آنها بر امنیت ملی کشور را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و راه‌کارهای مناسب برای مقابله با این تهدیدات را ارائه کند.

کلیدواژه‌ها: دفاع همه‌جانبه، جنگ همه‌جانبه، امنیت انسانی، امنیت ملی.

* دکترای تخصصی و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران sabbaghian@ut.ac.ir

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال شانزدهم • شماره چهارم • زمستان ۱۳۹۲ • شماره مسلسل ۶۲

مقدمه

تحولات محیط امنیتی جهان در دو دهه آخر قرن بیستم و دهه اول قرن بیست و یکم منجر به تحولی مهمی در دستور کار مطالعات امنیتی جهان شد. در این دستور کار جدید، مفهوم امنیت دگرگون شد و از تأکید سنتی بر قدرت نظامی و امنیت ملی که امنیت را از زاویه تهدیدات نظامی خارجی می دید، فاصله گرفت. در دستور کار جدید، امنیت کشور صرفاً در امنیت دولت خلاصه نمی شد و سطوح پایین تر از دولت یعنی امنیت جامعه و شهروندان را نیز در بر می گرفت. در پرتو این آموزه ها دو رهیافت نظری و عملیاتی مرتبط با هم شکل گرفت. اول، رهیافت دفاع همه جانبه که مفروض اساسی آن این است که منازعات بین کشورها دیگر صرفاً نظامی نیست و علاوه بر اهداف نظامی، اهداف غیر ملموس تر دیگری همچون از بین بردن وحدت و همبستگی اجتماعی جامعه، تضعیف اقتصادی و تحلیل روانی جامعه را نیز شامل می شود. رهیافت دوم، رهیافت امنیت انسانی است که معتقد است جهت گیری اهداف دفاعی و سیاست خارجی کشورها باید از دغدغه تقریباً انحصاری امنیت نظامی به دغدغه بزرگتر برای امنیت کلی انسانها از خشونت های اجتماعی، محنت های اقتصادی و تخریب زیست محیطی تبدیل شود. ظهور تقریباً هم زمان این دو رهیافت در حوزه دفاعی - امنیتی این پرسش را مطرح کرده که «ارتباط بین امنیت انسانی و دفاع همه جانبه چیست؟» پاسخ این مقاله، به این پرسش اساسی این است که «تحقق امنیت انسانی در جامعه، با از بین بردن زمینه بسیاری از تهدیدات غیر نظامی، موجب تقویت دفاع همه جانبه می شود». در این چارچوب، مقاله ضمن تبیین نظری موضوع بر اساس رویکردهای مکتب کپنهاگ، جوانب مختلف دفاع همه جانبه و امنیت انسانی را بررسی می کند. پس از روشن شدن ابعاد این دو رهیافت، ارتباط بین آنها و شیوه های پایش امنیت انسانی به منظور ارائه هشدارهای لازم در جهت رفع تهدیدات دفاع همه جانبه بررسی خواهد شد.

الف. چارچوب نظری

مبانی نظری این پژوهش برای تبیین ارتباط امنیت انسانی با دفاع همه جانبه بر آموزه های مکتب کپنهاگ استوار است. ریشه یابی اصطلاح دفاع همه جانبه یا دفاع فراگیر، بیانگر آن است که این رهیافت نوعی راهبرد دفاعی است که از کشورهای دانمارک، فنلاند، سوئد، سوئیس و اتریش نشأت گرفته و بعداً در سایر مناطق جهان مورد توجه قرار گرفته است. این رهیافت مبتنی بر

این فرض است که متجاوزان به کشور، علاوه بر اقدامات نظامی می‌توانند از طریق در هم شکستن نظام‌های اقتصادی، هدف‌قراردادن بافت‌های اجتماعی و توانایی مقابله با فجایع طبیعی و انسان‌ساز، کشور را به شکست بکشانند. رویکردی که مفهوم امنیت را فراتر از بعد نظامی آن مورد توجه قرار داد، مکتب کپنهاگ است.

مکتب کپنهاگ که نشأت‌گرفته از اندیشه‌های باری بوزان^۱، الی ویور، دوویلد و دیگران است، کاملاً بر مطالعات امنیتی بنا شده و جزء اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاه مستقلی برای مطالعات امنیتی می‌باشد. باری بوزان در خصوص امنیت معتقد است امنیت را باید برابر با رهایی از تهدید تعریف نمود. از نظر او امنیت در نبود مسئله دیگری به نام تهدید درک می‌شود. این تعریف باری بوزان به تعریف امنیت در دوران جنگ سرد که مضیق، تک‌بعدی و مورگنتایی بود، نزدیک است. با وجود این، خود بوزان امنیت را پس از جنگ سرد دیگر در نبود تهدید سنتی تعریف نمی‌کند. او می‌گوید: «امنیت را باید چندبعدی نگریم که ابعادی مانند مهاجرت، سازمان‌های جنایی فراملی و فروملی، محیط زیست و رفاه اقتصادی را شامل می‌شود». از نظر بوزان، دولت‌ها دیگر تنها مرجع امنیت نیستند، بلکه افراد، گروه‌های فراملی، سازمان‌های غیر دولتی فراملی و فروملی، رسانه‌ها و تروریسم، همگی در وجوه مختلف امنیت مرجع هستند (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۵).

یکی از بحث‌های هستی‌شناختی مکتب کپنهاگ، اهمیت مطالعه دولت و فرد در مسائل امنیت هستی‌شناسانه است. به عبارت دیگر، دولت به عنوان ویژگی جمعی می‌تواند سطح تحلیل برای مطالعه امنیتی باشد، ولی امنیت فردی نیز خود می‌تواند در نگرش فوق مطالعه شود، چرا که دولت تنها موضوع و میدان‌دار امنیت نیست (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۲).

بوزان همچنین اظهار می‌دارد که طرح مکتب کپنهاک برای سیاستمداران در مواجهه با تهدیدات آن است که به جای بحث در مورد تهدیدات امنیتی، به شناسایی فرآیندی توجه نمایند که در نتیجه آن، تهدید امنیتی شکل می‌گیرد، بدین ترتیب که امنیت پدیده‌ای است که در بستر فرایند شکل می‌گیرد. بدین صورت، پیشنهاد بوزان برای سیاستمداران این است که به

جای اینکه بیشترین تلاش و تمرکز خود را برای مقابله با آن صرف کنند، بهتر است به شناسایی فرآیندی پردازند که باعث به وجود آمدن تهدیدات امنیتی گردیده است. در باور بوزان، از این طریق می‌توان مانع از به وجود آمدن زمینه‌های شکل‌گیری تهدیدات امنیتی گردید (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۶-۱۵).

باری بوزان اصطلاح تهدید جامعه‌ای را اولین بار در سال ۱۹۸۳ و در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» به کار برد. نکته‌ای که کمتر بدان توجه می‌شود این است که بوزان در آن کتاب، امنیت جامعه‌ای را صرفاً یکی از ابعاد پنجگانه امنیت ملی می‌داند، یعنی امنیت جامعه‌ای (با محوریت هویت) در کنار ابعاد چهارگانه (نظامی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی) امنیت ملی لحاظ می‌گردد. در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس، امنیت جامعه‌ای یا اقتصادی، مستقل از امنیت دولت به شمار نمی‌آید. جامعه یا گروه‌های تشکیل‌دهنده جامعه (نظیر گروه‌های قومی، نژادی و مذهبی)، تنها یکی از ابعاد است که در آن دولت، احتمالاً می‌تواند مورد تهدید قرار گیرد. ده سال بعد، یعنی در سال ۱۹۹۳ که بوزان با همکاری آل ویور، کتاب «هویت، مهاجرت و دستور کار امنیتی نوین در اروپا» را نگاشت، وزن بیشتری برای وجه جامعه‌ای امنیت قائل شد. در نتیجه، بوزان نظریه قبلی خود در مورد ابعاد پنجگانه امنیت دولت را ترمیم و بازنگری کرد و جامعه را در کنار دولت به مرجع امنیت ارتقا داد. به عبارت دیگر، در نظریه قبلی بوزان، جامعه یکی از وجوه دولت و هویت گروه‌ها، یکی از موضوعات نگرانی و دغدغه دولت بود، اما در سال ۱۹۹۳ و در پی شعله‌ور شدن جنگ‌های نژادی و قومی در اروپای شرقی (در پی فروپاشی شوروی)، جامعه به مثابه گروه‌های اجتماعی، هم یکی از ابعاد امنیت دولت می‌ماند و هم به مرجع امنیت ارتقا می‌یابد (نصری، ۱۳۹۰: ۱۰۸-۱۰۷).

پاسخ دستور کار مطالعات امنیتی جدید به این پرسش‌ها این است که دستور کار مطالعات امنیتی باید توسعه و گسترش یابد و از تأکید سنتی بر قدرت نظامی و امنیت ملی - که در پرتو آن به طور اساسی به امنیت از زاویه تهدیدات نظامی خارجی نگریسته می‌شود - فاصله بگیرد. پاسخ سؤال اساسی «امنیت چه کسی؟» را دیگر نمی‌توان به طور دقیق در امنیتی که منحصرأ به دولت مربوط می‌شود و یا اینکه حداقل اولویت اول را در فرایند تأمین امنیت به دولت می‌دهد، جستجو کرد. به عبارت دیگر، موضوع امنیت باید در سطحی پایین‌تر از دولت یعنی افراد و

سایر اجتماعی که با تهدیداتی برای رفاه و هستی خود مواجه هستند و در سطحی بالاتر از دولت، یعنی انسانیت به طور کلی - مردم در کل و نه شهروندان کشور خاص - مورد توجه قرار داد. این مسئله به طرح پرسش دوم منجر می‌شود، یعنی اینکه در برابر چه تهدیداتی باید امنیت ایجاد کرد؟ برای بسیاری از کشورها، مهم‌ترین تهدیدات امنیتی داخلی هستند که ریشه در توسعه‌نیافتگی و فرایندهای متغیر و غالباً مناقشه‌آمیز فرایند دولت‌سازی آنها دارد و شامل مواردی همچون خشونت اجتماعی، منازعات قومی، جنگ‌های داخلی، فقر و بدبختی، جمعیت زیاد، کمبود منابع و تخریب محیط زیست می‌شود (هورل، ۱۳۸۰: ۱۲۸-۱۲۷). این نوع تهدیدات موجب شده رهیافت دفاع همه‌جانبه کل جامعه را از طریق امکان استفاده از منابع بخش‌های مختلف جامعه برای حفظ امنیت مورد توجه قرار دهد. این امر از طریق شبکه‌ای به نام شبکه دفاع همه‌جانبه که بخش‌های دولتی و خصوصی را به هم متصل می‌کند، تحقق می‌یابد. برای عوامل ذی‌صلاح درون نظام، رهیافت دفاع همه‌جانبه نوعی شبکه را تشکیل می‌دهد که درون آن این مقامات برنامه‌ریزی برای آینده را در حیطه مسئولیت خود انجام می‌دهند. بر این اساس، رهیافت دفاع همه‌جانبه را می‌توان ترتیبات هماهنگ‌سازی این فعالیت‌ها دانست (Prime Mimister, 2011:30).

بر این اساس، آموزه‌های مکتب کپنهاگ علاوه بر اینکه نقش مهمی در شکل‌گیری رهیافت دفاع همه‌جانبه داشته است، چارچوب تحلیلی خوبی نیز برای تبیین ارتباط امنیت انسانی با دفاع همه‌جانبه ارائه می‌کند.

ب. دفاع همه‌جانبه

توانایی حفظ و دفاع از کشور و مردم از وظایف اولیه دولت‌هاست. شرایط راهبردی بین‌الملل از زمان پایان جنگ سرد بسیار پیچیده‌تر شده است. در کشورهای صنعتی، صنایع مربوط به تسلیحات و مهمات‌سازی دچار تحول عمیق شده و در سایر مناطق جهان نیز عوامل جدیدی همچون گروه‌های تروریستی و جنگ‌طلب، افزایش شدید منازعات داخلی را سبب شده است (Dunne & Coulomb, 2008: 3-7). بر اساس بررسی انجام‌شده، در برهه بین ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۴، در مجموع ۹۴ منازعه مسلحانه در ۶۴ منطقه مختلف رخ داده، اما از بین این منازعات تنها

چهار منازعه را می‌توان کلاسیک (بین دولتی) تلقی کرد. از بین ۲۳۲ طرف دخیل در این منازعات، ۶۸ مورد دولت‌ها و ۱۶۴ مورد عوامل غیر دولتی بوده‌اند. بنابراین، اکثریت منازعه‌های خشونت‌آمیز در درون کشورها و با مشارکت نیروهای غیرمعمول که از سلاح‌های نه‌چندان پیشرفته استفاده کرده‌اند، رخ داده است. با توجه به ضعف بسیاری از دولت‌ها، تمایز بین جنگ عمومی و خصوصی و انحصار دولت در مقام اعمال خشونت مشروع - که هر دو نشانه ظهور نظام دولت کلاسیک بود - با قدرت‌گرفتن سایر گروه‌های جنگ‌طلب و خصوصی‌سازی گسترده خشونت و امنیت، کم‌رنگ شده است (هورل، ۱۳۸۰: ۱۲۷-۱۲۶). همه این عوامل راهبردهای دفاعی سنتی مبتنی بر نیروهای نظامی برای مقابله با متجاوزان خارجی را با چالش مواجه کرده است. با آنکه نیروهای مسلح در این خصوص نقش کلیدی ایفا می‌کنند، اما تحول مستمر موقعیت‌های راهبردی جهانی، کشورها را ناچار به بازبینی و اصلاح رهیافت‌های دفاعی می‌کند. یکی از رهیافت‌های نسبتاً جدیدی که در این زمینه طی دو دهه اخیر ظهور کرده، دفاع همه‌جانبه است. این رهیافت تحت تأثیر تحولات ایجادشده در مفهوم امنیت، از کشورهای اسکاندیناوی همچون دانمارک، فنلاند و سوئد و برخی کشورهای دیگر اروپایی همچون سوئیس و اتریش آغاز شد و بعداً در سایر مناطق جهان مورد توجه قرار گرفت. این رهیافت مبتنی بر این فرض است که متجاوزان به کشور، علاوه بر اقدامات نظامی می‌توانند از طریق در هم شکستن نظام‌های اقتصادی، هدف‌قراردادن بافت‌های اجتماعی و توانایی مقابله با فجایع طبیعی و انسان‌ساز، کشور را به شکست بکشانند. این وضعیت چند پرسش اساسی از جمله اینکه امنیت چه کسی؟ و امنیت در برابر چه نوع تهدیداتی را مطرح کرده است.

تغییر محیط امنیتی بین‌المللی و ایجاد تهدیدات جدید موجب شده بسیاری از کشورها به سمت سازماندهی سازمان دفاعی خویش برای آمادگی مقابله در برابر این تهدیدات حرکت کنند. فنلاند از جمله کشورهایی است که رهیافت دفاع همه‌جانبه را مورد توجه جدی قرار داده است. این کشور دفاع همه‌جانبه را شامل اقدامات نظامی و مدنی می‌داند که از طریق آن حاکمیت فنلاند و شرایط زندگی و امنیت شهروندان آن را در برابر تهدیدات خارجی و سایر تهدیدات حفظ می‌کند. بر این اساس، حفظ کارکردهای حیاتی جامعه در هر شرایطی با اقدام

هماهنگ بین بخش‌های مختلف جامعه، عنصر کلیدی رهیافت دفاع همه‌جانبه فنلاند است. علت روی آوردن به دفاع همه‌جانبه، تغییرات محیط عملیاتی فنلاند و تأثیر آن بر ساختارهای حکومتی، تجاری، صنعتی و جامعه به طور کلی است. تغییر محیط‌های عملیاتی فنلاند در سطح ملی و بین‌المللی نیاز به آمادگی از منظر همه‌جانبه را برجسته کرده است. در حالی که ادغام‌های اقتصادی و جهانی شدن به طور خاص فرصت‌های جدیدی را ارائه می‌کنند، هم‌زمان خطرات و تهدیدات غیر قابل پیش‌بینی را در بر دارند. شبکه‌ای شدن جامعه و افزایش وابستگی به سامانه‌های تکنیکی، به ویژه فناوری اطلاعات، از مهمترین روندهای تغییر محسوب می‌شوند. عوامل مؤثر بر ساختار جمعیت شامل پیرشدن، بین‌المللی شدن، مهاجرت‌های داخلی و خارجی، خطرات جدید هستند. به موازات ظهور خطرات جدید در محیط‌های عملیاتی، مشارکت کل جامعه در آماده‌سازی و امنیت فراگیر ضروری است. رهیافت دفاع همه‌جانبه مبتنی بر همکاری گسترده بخش‌های مختلف است. بر اساس رهیافت دفاع همه‌جانبه، تمامی مقامات بخش‌های تجاری و سازمان‌های غیر دولتی باید بر اساس بیانیه مأموریت مشترک برای هر شرایطی آماده باشند (Prime Minister, 2011: 12). همچنین، تهدیداتی که دفاع همه‌جانبه فنلاند برای پاسخ‌گویی به آنها شکل گرفته، در منظومه‌ای از تهدیدات جهانی، ملی و فردی قرار گرفته است. تهدیدات جهانی شامل مواردی همچون گرمایش جهانی، تروریسم بین‌المللی، افزایش جمعیت، آلودگی، ناکافی بودن منابع طبیعی، بیابان‌زایی، بحران قومی، جنایات سازمان‌یافته بین‌المللی و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی است. تهدیدات ملی مواردی همچون اختلال جدی در عملکرد اقتصاد، حوادث بزرگ و فجایع طبیعی، تهدیدات زیست‌محیطی، اختلال در امنیت بهداشتی و درآمدی مردم، تهدیدات مرتبط با جریان‌های مهاجرت، اختلال در شبکه برق، تروریسم و سایر جنایات‌های سازمان‌یافته، فشارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی و کاربرد نیروی نظامی را در بر می‌گیرد. همچنین، سطح دیگر این تهدیدات، فردی است که شامل مواردی همچون حاشیه‌نشینی، تصادفات شدید، ناامنی، جنایات‌های خشونت‌آمیز، مواد مخدر و اعتیاد به الکل می‌باشد. بین این سه لایه تهدیدات ارتباط زیادی برقرار است (Tero, 2010).

کانادا نیز از جمله کشورهای پیش‌گام در عرصه حرکت به سوی رهیافت دفاع همه‌جانبه است. در گزارش سیاست دفاعی و قابلیت‌های نظامی آینده کانادا که در سال ۲۰۰۵ منتشر شده، در پاسخ به این پرسش که چه ایده‌های اساسی را برای ایجاد نظام دفاعی مرتبط و پاسخ‌گو در عصر بی‌ثباتی جهانی باید جستجو کرد؟ تأکید شده که مهمترین ایده، گسترش حوزه دفاع است که از آن به «توزیع دفاع»^۱ یاد شده است. این گزارش تأکید کرده که اولین ایده‌ای که باید در ماشین دولت تعبیه شود، این است که دفاع ملی، کالای قابل توزیع توسط وزارت دفاع یا نیروهای مسلح کانادایی نیست، بلکه دفاع ملی کانادا «مسئولیت»^۲ هر کانادایی و در اصطلاح دولتی، کالای عمومی است که در کل باید توسط دولت ارائه شود. این رویکرد، مسئولیت را از یک وزیر به کل کابینه و از یک سازمان به تمامی سازمان‌های مرکزی منتقل می‌کند (Bland, 2005: 6). بر اساس این رویکرد به دفاع همه‌جانبه است که کشورها تلاش خود را معطوف به پاسخ‌گویی به چالش‌های امنیت انسانی کرده‌اند. به عنوان نمونه، دولت کانادا که در رهیافت جدید دفاعی خود به سمت دفاع همه‌جانبه حرکت کرده، جزو اولین کشورهایی است که به تعریف روشن از امنیت انسانی و نقش آن در امنیت ملی اقدام کرده است. در این چارچوب، کنسرسیوم کانادایی امنیت انسانی سال ۲۰۰۷، در تعریف امنیت انسانی تأکید کرده: «امنیت انسانی رهیافت مردم‌محور به سیاست خارجی است که ثبات پایدار را متکی بر حفظ مردم از خطرات و تهدیدات علیه حقوق، سلامتی و حیات آنها می‌داند. بر خلاف امنیت ملی، امنیت انسانی به تهدیدات علیه امنیت افراد جامعه توجه دارد و مطالعات امنیتی را به دفاع از مرزها محدود نمی‌کند.»

مطالعات آکادمیک و تجربه کشورهایی که رویکرد دفاع همه‌جانبه را مد نظر قرار داده‌اند، نشان می‌دهد مفروض این رهیافت این است که منازعات بین کشورها دیگر صرفاً نظامی نیست. تجاوزها و تهدیدهای احتمالی نیز به شیوه‌های کمتر محسوس و غیر متعارفی همچون از بین بردن همبستگی اجتماعی جامعه از طریق به‌کارگیری تفاوت‌های قومی، زبانی، مذهبی، فرهنگی یا تفاوت طبقه اجتماعی و اقتصادی، تضعیف انعطاف ملی از طریق جنگ روانی برای

1. Defence Deliverabl

2. Responsibility

نمایش دادن نگرانی‌ها و بیم‌های مردم، یا ایجاد جنگ اقتصادی از طریق تحریم‌های اقتصادی و تجاری یا اقدامات خرابکارانه برای تضعیف اقتصاد کشور انجام می‌شود. در برابر این تهدیدها، دفاع همه‌جانبه چارچوب ارائه پاسخ فراگیر و کامل برای مقابله با همه انواع این تهدیدات و چالش‌هاست اعم از اینکه تهدید امنیتی همچون تروریسم جهانی یا بحران بهداشتی همچون آنفلوآنزای پرندگان باشد. دفاع همه‌جانبه، همه سازمان‌های دولتی و بخش خصوصی را در اقدام هماهنگ‌شده برای مقابله با این تهدیدها و چالش‌ها کنار هم قرار می‌دهد و در واقع، شامل پنج جنبه دفاع نظامی، دفاع مدنی، دفاع اقتصادی، دفاع اجتماعی و دفاع روانی می‌باشد.

ج. امنیت انسانی

از زمانی که انسان پا به عرصه وجود گذاشت تا زمان حاضر، همواره پیوندی ناگسستنی میان جوهر هستی و جستجوی امنیت وجود داشته است. به عبارتی، مفهوم امنیت دارای قدمتی کهن‌تر از مفهوم اجتماع و جامعه بوده و انسان حتی آنگاه که بر هیبت و هویت اجتماعی درنیامده بود نیز به امنیت توجه جدی داشته است. حفظ بقا و موجودیت در مقابل تهدیدات طبیعی، مهم‌ترین دغدغه انسان‌ها بوده است. این مفهوم از امنیت در ابتدا خصلتی فردمحورانه داشت، ولی به تدریج که مناسبات گروهی جایگزین مناسبات فردی شد، ماهیتی اجتماعی نیز پیدا کرد (خلیلی، ۱۳۸۴: ۷۴۲). امنیت از مقولاتی است که بشر در طول تاریخ همواره به دنبال آن بوده و برای به دست آوردن آن هزینه‌های زیادی متقبل شده است. اهمیت امنیت تا آنجاست که اندیشمندانی نظیر هابز، فلسفه وجودی دولت‌ها را تأمین همین نیاز بشری می‌دانند. در عمل نیز از آغاز پیدایش دولت‌های ملی، بخش مهمی از سیاست‌های دولت‌ها، سیاست‌های امنیتی بوده است. از زمان تشکیل پیمان وستفالیا در سال ۱۶۴۸ تا چند دهه قبل، اکثر دیدگاه‌ها و نظریات، به خصوص رئالیسم، دولت را کارگزار اصلی امنیت می‌شناختند و عامل نظامی را در کسب آن، اساسی و اصلی می‌دانستند، اما در عصر پست‌مدرن این تفکر به چالش کشیده شده است. برژینسکی^۱ معتقد است باید امنیت را در هر زمان و طبق مشخصات

1. Zbigniew Brzezinski

همان عصر بررسی کرد. به اعتقاد وی، تحول در چهار حوزه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی، سبب متحول شدن نظام بین‌الملل به ویژه در بعد امنیتی آن در دنیای معاصر شده است (یزدانی و خدابند، ۱۳۸۹: ۶۴). این تحولات موجب شده در بررسی روند تحول مفهوم امنیت با مفاهیمی چون امنیت ملی سنتی دولت‌محور با حاصل جمع جبری صفر، امنیت دسته‌جمعی از طریق انعقاد ترتیبات دسته‌جمعی و اتکا به آنها برای تأمین امنیت ملی، امنیت مشترک یعنی امنیت ملی با حاصل جمع جبری مضاعف آن طوری که کمیسیون پالمه در سال ۱۹۸۲ بیان کرده، به معنای دسترسی به صلح با دیگران نه علیه دیگران، امنیت جامع در بر دارنده امنیت حیات، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی و اجتماعی، امنیت فرهنگی، امنیت زیست‌محیطی و امنیت انسانی روبه‌رو شویم. آنچه زمینه را برای شکل‌گیری موج تازه‌ای از مطالعات امنیتی در سال‌های پایانی قرن بیستم و آغازین قرن بیست‌ویکم هموار ساخته، نه تلقی از امنیت، بلکه تغییر بازیگران اصلی عرصه معادلات امنیتی، یعنی دولت‌های ملی است. در واقع، تأثیر عمده جهانی شدن نیز در همین حوزه قابل رؤیت می‌باشد و این تغییر از کلیه لوازم فلسفی و منطقی یک انقلاب برخوردار است، به گونه‌ای که می‌توان آن را انقلابی در عرصه مطالعات امنیتی به شمار آورد. اگر تا پیش از آن مفهوم امنیت بررسی و نقد می‌گردید، امروز جهانی شدن با قبول گفتمان مثبت امنیتی به تحول در جوهره فلسفی و سیاسی «دولت-کشور» پرداخته و بدین ترتیب، موج مطالعاتی تازه‌ای را در حوزه امنیت بینان گذارده که از آن به «مطالعات فرامدرن» تعبیر می‌شود (افتخاری، ۱۳۷۹: ۷۲).

تغییرات حاصله در محیط امنیت بعد از جنگ سرد به شدت بر مفاهیم و پارادایم‌های امنیتی تأثیر گذاشته است. در پرتو این تحولات، امنیت انسانی به عنوان مفهوم جدید شکل گرفت و در گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۴ سازمان ملل متحد در سطح جهان مطرح شد. این مفهوم از آن زمان تا کنون متحول شده، به طوری که در این فاصله زمانی شاهد تعداد زیادی از تعاریف مفهومی و رهیافت‌های نظری در این زمینه هستیم که به شکل‌گیری اقدامات عملی برای ارائه آن منجر شده است (Iztok, 2008).

در سیر تحول مفهوم امنیت، «امنیت انسانی» جدیدترین مرحله قلمداد می‌شود. پردازش و تکامل مفهوم امنیت انسانی، این دیدگاه را برجسته می‌سازد که تهدید علیه انسان‌ها و موجودیت کشورها در حال تغییر و رو به افزایش است. این تغییرات، مناظره و مجادله در مورد معنای امنیت و مباحثات در زمینه تعمیق و توسعه آن را دامن زده است. صرف نظر از خشونت در درون دولت، تهدیدات غیر نظامی چون تخریب محیط زیست و تأثیرات گرم شدن زمین، بیماری‌های مسری و فراگیری چون ایدز، سارس و آنفلوآنزای مرغی و تغییر مکان مردم (پناهندگان و جابه‌جایی و کوچ مردم در داخل کشور) وجود دارند. همچون خشونت داخلی، این موضوعات و مسائل فراملی نیز آثار و عواقب شدید محلی، منطقه‌ای و جهانی دارند (کر، ۱۳۸۴: ۶۰۴).

اگرچه امنیت انسانی به عنوان مفهوم دارای تاریخی درازی است، اما اولین کاربرد مهم اصطلاح «امنیت انسانی» در دستور کار برای صلح پطرس غالی دبیرکل وقت سازمان ملل به کار رفته است. در آن گزارش، او خواستار رهیافت هم‌گرا به امنیت انسانی شد، به طوری که موضوعات اساسی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منازعه را شامل شود. با وجود این، در گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ برنامه توسعه سازمان ملل متحد که توسط محبوب الحق، اقتصاددان پاکستانی به رشته تحریر درآمد، این اصطلاح از اهمیت زیادی برخوردار شد. در سال‌های بعد، کوفی عنان دبیرکل وقت سازمان ملل این اصطلاح را در گزارش‌ها و بیانیه‌های مختلف همچون بیانیه هزاره سال ۱۹۹۹، گزارش هیئت عالی‌رتبه تهدیدات و چالش‌های تغییر سال ۲۰۰۴، گزارش سال ۱۹۹۵ با عنوان «آزادی بزرگتر: به سمت توسعه امنیت و حقوق بشر برای همه» مورد استفاده قرار داد. امنیت انسانی به طور رسمی در سند نهایی اجلاس ۲۰۰۵ زمین مورد تأیید قرار گرفت.

محبوب الحق و سایر دست‌اندرکاران تهیه گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ برنامه توسعه سازمان ملل متحد، عنوان توسعه انسانی را در میزگردی در خصوص روابط شمال و جنوب با عنوان «اقتصاد صلح» که در ژانویه سال ۱۹۹۰ در کاستاریکا برگزار شد، کشف کردند. این میزگرد یک بیان روشن مبنی بر این در پی داشت که جهان بعد از جنگ سرد نیازمند «مفهوم جدید از

امنیت جهانی» است که «جهت‌گیری اهداف دفاعی و سیاست خارجی از دغدغه تقریباً انحصاری امنیت نظامی به دغدغه بزرگتر برای امنیت کلی انسان‌ها از خشونت اجتماعی، محنت اقتصادی و تخریب زیست‌محیطی تغییر کند» (Jolly & Ray, 2006: 4).

گزارش توسعه سال ۱۹۹۴ برنامه توسعه سازمان ملل در این خصوص تأکید کرده «مفهوم امنیت تا کنون به طور مضیق تفسیر شده است: به عنوان امنیت سرزمین از تجاوز خارجی، به عنوان حفظ منافع ملی در سیاست خارجی یا به عنوان امنیت جهانی از تهدید هولوکاست هسته‌ای. این مفهوم امنیت بیشتر با دولت-کشورها مرتبط است تا مردم... که در زندگی روزانه خود در جستجوی امنیت هستند. برای بسیاری از مردم، امنیت به معنای حفاظت از خطر بیماری، گرسنگی، بیکاری، جنایت، منازعه اجتماعی، سیاسی و سرکوب و خطرات زیست‌محیطی است» (UNDP, 1994: 22).

اگرچه امنیت انسانی و رهیافت دفاع همه‌جانبه به نوعی معطوف به امنیت فراتر از رهیافت واقع‌گرایی است، اما باید گفت این رهیافت با آنکه به امنیت مردم‌محور توجه کرده، امنیت دولت‌محور را نیز نمی‌تواند نادیده بگیرد. علت این امر آن است که از نظر تجربی، واقع‌گرایی در مورد وضعیت‌هایی چون جنوب آسیا و خاورمیانه صادق است که تهدیدات نظامی علیه دولت‌ها وجود دارد. واقع‌گرایی استدلال می‌کند این نوع شرایط نوعی امکان و احتمال پایدار برای هر کشوری در جهان است و تاریخ ثابت می‌کند این نگرانی با ارزش و بجاست. واقع‌گرایی، همچنین حاکی از آن است که اگرچه مرجع امنیت دولت است، ولی حراست از آن در برابر تهدیدات نظامی خارجی، متضمن حفاظت از مردم آن دولت نیز می‌باشد. با وجود این، اگرچه دیدگاه واقع‌گرایی به امنیت هنوز هم لازم است، اما کافی نیست. این دیدگاه خشونت نظامی خارجی را مد نظر قرار می‌دهد، ولی خشونت داخلی (به همراه دیگر تهدیدات گسترده‌تر) را نادیده می‌گیرد. تمرکز صرف واقع‌گرایی بر تهدیدات خارجی بر ضد دولت در تأمین امنیت، برای بسیاری از مردم در درون کشورها ناتوان است. امروزه، تهدیدات داخلی شایع‌تر از تهدیدات خارجی هستند که به مشکل شکست دولت کمک می‌کنند و امنیت بین‌الملل را به عنوان هدف عمده

واقع‌گرایی تحلیلی می‌برند. اگر واقع‌گرایی استدلال و دیدگاه امنیتی است که بر امنیت دولت محور تأکید می‌ورزد، نیازمند آن است که طیف گسترده‌تری از تهدیدات نسبت به بقای دولت‌ها و صلح و ثبات بین‌المللی را در نظر گیرد. امنیت انسانی نیز بحث و دیدگاه امنیتی ضروری ولی ناکافی است. اگرچه این مفهوم بر تهدیدات نسبت به مردم - ۹۵ درصد از مرگ‌ومیر منازعات ناشی از مناقشه داخلی است - تأکید می‌کند، اما از تهدیدات نظامی خارجی غفلت می‌ورزد. در حالی که ۵ درصد از میزان مرگ‌ومیرها ناشی از نزاع‌ها و منازعات در اثر جنگ‌های بین‌کشوری است، تأکید امنیت انسانی بر خشونت داخلی و فراملی و دولت‌های ناکارآمد، احتمال دارد بیش از واقع‌گرایی به حکم‌رانی بهتر کشورها بیانجامد و از این طریق، ثبات بین‌المللی را بهبود بخشد. در عین حال، این امر به این معنا نیست که هدف اولیه و اصلی امنیت انسانی ترویج و توسعه امنیت دولت‌محور فی‌نفسه است، بلکه هدف، دادن این اطمینان و تضمین است که مردم در اثر نسخه‌هایی از امنیت دولت‌محور که خشونت داخلی و عمل آن را نادیده می‌گیرند، دچار رنج و مشقت نخواهند شد (کر، ۱۳۸۴: ۶۱۷-۶۱۶).

رهیافت‌های عملیاتی امنیت انسانی نیز بر مبنای رهیافت‌های نظری آن استوار است. از منظر عملیاتی، هدف امنیت انسانی بررسی وضعیت پیچیده ناامنی از طریق اقدامات همکارانه، واکنشی و پایدار است. این رهیافت بر مبنای اصولی همچون مردم‌محوربودن^۱، چندبخشی‌بودن^۲، جامع‌بودن^۳، خاص‌بودن^۴ و پیش‌گیری‌محوربودن^۵ امنیت انسانی، اقداماتی عملیاتی را بر اساس رویکردهای حفاظتی و توانمندسازی پیشنهاد می‌کند که در جدول شماره یک توضیح داده شده است (Human Security in Theory and Practice, na: 12).

-
1. people-centered
 2. multisectoral,
 3. comprehensive
 4. context-specific
 5. prevention-oriented

جدول شماره ۱: رهیافت‌های عملیاتی امنیت انسانی

اصل امنیت انسانی	رهیافت امنیت انسانی
مردم‌محور	<ul style="list-style-type: none"> ➤ فراگیر و مشارکتی ➤ ملاحظه افراد و جوامع در تعریف نیازها، آسیب‌پذیری‌ها و در اقدام‌ها به عنوان عامل تغییر ➤ تعیین جمعی اینکه چه ناامنی را باید پاسخ گفت و شناسای منابع در دسترس شامل داشته‌های محلی و شیوه‌های بومی مقابله با تهدید
چندبخشی	<ul style="list-style-type: none"> ➤ توجه به چندبخشی بودن از طریق پیشبرد گفتگو بین عوامل کلیدی از بخش‌ها و حوزه‌های مختلف ➤ کمک به تضمین همبستگی و هماهنگی بین بخش‌ها و حوزه‌هایی که به طور سنتی از هم جدا بوده‌اند ➤ ارزیابی پیامدهای مثبت و منفی هر پاسخ بر وضعیت کلی امنیت انسانی جامعه تحت تأثیر
جامع	<ul style="list-style-type: none"> ➤ تجزیه و تحلیل هولستیک: هفت عنصر امنیت انسانی ➤ بررسی طیف گسترده تهدیدها، آسیب‌پذیری‌ها و قابلیت‌ها ➤ تحلیل عوامل و بخش‌هایی که قبلاً مرتبط با موفقیت یک سیاست، برنامه یا پروژه تلقی نمی‌شد. ➤ توسعه پاسخ‌های چندبخشی / چندعاملی
زمینه خاص	<ul style="list-style-type: none"> ➤ تجزیه و تحلیل عمیق وضعیت مورد هدف ➤ تمرکز بر هسته مجموعه آزادی‌ها و حقوق مورد تهدید در وضعیت خاص ➤ شناسایی نیازهای واقعی جوامع تحت تأثیر و ارائه راه حل‌های مناسب‌تر بر اساس واقعیت‌ها، قابلیت‌ها و شیوه‌های مقابله با تهدید محلی ➤ مد نظر قراردادن ابعاد محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی و تأثیر آنها بر وضعیت مورد هدف
پیش‌گیری‌محور	<ul style="list-style-type: none"> ➤ شناسایی مخاطرات و تهدیدات و بررسی ریشه‌ای عوامل آنها ➤ تمرکز بر پاسخ‌های پیش‌گیرانه بر اساس رویکردهای حفاظت و توانمندسازی

د. ابعاد امنیت انسانی

وقتی از ابعاد امنیت انسانی سخن به میان می‌آید. منظور یافتن پاسخ برای این پرسش‌هاست که امنیت چه کسی؟ امنیت چه ارزش‌هایی؟ امنیت از چه تهدیداتی؟ و امنیت با چه شیوه‌هایی؟ بر این اساس، ابعاد امنیت انسانی بر اساس تعداد تعاریف مفهومی که از امنیت انسانی به عمل می‌آید، می‌تواند متفاوت باشد.

همانطور که پیشتر ذکر شد، گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ سازمان ملل که در واقع، اولین و جامع‌ترین تعریف را از امنیت انسانی ارائه کرده، تأکید می‌کند که امنیت انسانی به زندگی و منزلت شهروندان مربوط است و مردم‌محور می‌باشد. این گزارش تهدیدات امنیت انسانی را در هفت گروه اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست‌محیطی، شخصی، اجتماعی و سیاسی دسته‌بندی کرده است. ناامنی اقتصادی مواردی همچون فقر، درآمد نامناسب، بیکاری و ناامنی شغلی، عدم دسترسی به خدمات مناسب، فقدان ابتکارات و اختراعات، ساختارهای ناکارآمد، از دست دادن یا تنزل وسایل زندگی و نظام حمایت ناکافی برای نیازهای اساسی را شامل می‌شود. ناامنی زیست‌محیطی نیز مواردی همچون سیل، خشکسالی، بلایای طبیعی، بلایای ساخته دست بشر، تغییرات آب و هوایی، از بین رفتن منابع طبیعی، آلودگی‌های آب و هوایی، فرسایش ظرفیت‌های زمین و پیامدهای زیست‌محیطی جنگ را در بر می‌گیرد. ناامنی اجتماعی نیز شامل مواردی همچون انفجار جمعیت، کاهش حمایت خانواده و جامعه، جنایات سازمان‌یافته، حاشیه‌نشینی، مهاجرت، قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان می‌باشد. این موارد هر کدام می‌تواند تهدید برای امنیت جامعه تلقی شود.

البته، مکاتب دیگر امنیت انسانی نیز به نوعی این موارد را مد نظر قرار داده‌اند، اما ممکن است در اولویت‌بندی عوامل با یکدیگر تفاوت داشته باشند. در جدول شماره دو، رویکرد مکتب برنامه توسعه سازمان ملل متحد و مکتب کانادایی امنیت انسانی مقایسه شده است.

جدول شماره ۲: مقایسه مکتب سازمان ملل و مکتب کانادایی امنیت انسانی

مکتب کانادا	مکتب برنامه توسعه سازمان ملل	
اول افراد، اما امنیت دولت هم مهم است.	اول افراد	امنیت چه کسی
امنیت فرد/ رفاه و آزادی شخصی	امنیت فرد/ رفاه و آزادی شخصی	امنیت چه ارزش‌هایی
خشونت مستقیم و غیر مستقیم با تأکید بیشتر بر خشونت مستقیم در سطح ملی/ اجتماعی و بین‌المللی/ جهانی	خشونت مستقیم و غیر مستقیم با تأکید بیشتر بر خشونت غیر مستقیم، به ویژه عوامل اقتصادی و زیست‌محیطی	امنیت از چه تهدیداتی
افزایش توسعه سیاسی: الگوهای جهانی و نهادی (حکمرانی) به اضافه استفاده جمعی از زور و تحریم‌های بین‌المللی در صورت و زمان نیاز	افزایش توسعه انسانی: نیازهای اساسی به اضافه برابری و پایداری و دموکراتیزه کردن و مشارکت جنسیتی در تمامی سطوح جهانی	امنیت با چه شیوه‌هایی

Source: Bajpai (2000), Human Security: Concept and Measurement

اگرچه تهدیدات مستقیم و غیر مستقیم امنیت انسانی هر دو از منظر دفاع همه‌جانبه دارای اهمیت است، اما از نظر نوع پاسخ‌هایی که باید در چارچوب رهیافت دفاع همه‌جانبه برای مقابله با این تهدیدات اندیشیده شود، این دو دسته از تهدیدات با یکدیگر متفاوت هستند. تفاوت‌های این دو دسته را می‌توان در جدول شماره ۳ مشاهده کرد.

جدول شماره ۳: تهدیدات مستقیم و غیر مستقیم امنیت انسانی

خشونت مستقیم	خشونت غیر مستقیم
<p>مرگ یا معلولیت‌های خشونت‌آمیز:</p> <ul style="list-style-type: none"> ◆ قربانیان جنایات خشونت‌آمیز ◆ کشتن زنان و کودکان ◆ خشونت‌های جنسی ◆ تروریسم ◆ آشوب‌های بین‌گروهی ◆ نسل‌کشی برنامه‌ریزی‌شده ◆ کشتن و شکنجه مخالفان ◆ کشتن مقامات و عوامل دولتی ◆ خسارت‌های جنگی 	<p>محرومیت:</p> <ul style="list-style-type: none"> ◆ سطوح نیازها و استحقاق‌های اساسی (غذا، آب آشامیدنی سالم، مراقبت‌های اولیه بهداشتی و آموزش و پرورش ابتدایی)
<p>اقدامات غیر انسانی:</p> <ul style="list-style-type: none"> ◆ برده‌داری و قاچاق زنان و کودکان ◆ استفاده از سربازان کودک ◆ سوء استفاده از زنان و کودکان برای نوکری و انجام کارهای خانه ◆ آدم‌ربایی ◆ تبعید غیرقانونی مخالفان و محاکمه شکلی 	<p>شیوه بیماری‌های مرگبار:</p> <ul style="list-style-type: none"> ◆ بیماری‌های عفونی ◆ بیماری‌های قلبی - عروقی ◆ سرطان
<p>مواد مخدر:</p> <p>اعتماد به مواد مخدر</p>	<p>فجایع طبیعی و ساخته دست بشر:</p> <ul style="list-style-type: none"> ◆ سیل ◆ زلزله ◆ جنگ
<p>تبعیض و سلطه:</p> <ul style="list-style-type: none"> ◆ افزایش قوانین و رویه‌های تبعیض‌آمیز 	<p>توسعه نیافتگی:</p> <ul style="list-style-type: none"> ◆ سطح پایین تولید ناخالص ملی سرانه

<ul style="list-style-type: none"> ◆ سطح پایین رشد اقتصادی ◆ تورم ◆ نابرابری ◆ بیکاری ◆ فقر ◆ رشد یا کاهش جمعیت ◆ بی‌ثباتی اقتصادی در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی ◆ رکود اقتصادی ◆ تغییر هرم جمعیتی 	<ul style="list-style-type: none"> ◆ علیه اقلیت‌ها و زنان ◆ انتخابات غیر واقعی ◆ از بین بردن نهادهای سیاسی و رسانه‌ای
<ul style="list-style-type: none"> ◆ جابه‌جایی جمعیتی: ◆ مهاجرت‌های داخلی ◆ مهاجرت‌های بین‌المللی ◆ آوارگان ◆ پناهندگان 	<ul style="list-style-type: none"> ◆ اختلاف‌های بین‌المللی: ◆ تنش‌ها و بحران‌های بین‌دولتی دو جانبه و منطقه‌ای ◆ تنش‌ها و بحران‌های قدرت‌های بزرگ
<ul style="list-style-type: none"> ◆ فرسایش محیطی در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی 	<ul style="list-style-type: none"> ◆ سلاح‌های مخرب‌تر: ◆ گسترش سلاح‌های تخریب جمعی ◆ سلاح‌های کوچک پیشرفته متعارف ◆ مین‌های زمینی

Source: Bajpai (2000) , Human Security: Concept and Measurement

بنابراین، در رهیافت دفاع همه‌جانبه، در کنار توجه به ابعاد نظامی مقابله با تهدیدات به تهدیداتی که از جانب موضوعات مرتبط با امنیت انسانی مطرح می‌شود، همچون موضوعات اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و روانی که از عوامل کلیدی امنیت‌سازی در جامعه هستند نیز باید توجه گردد.

هـ تأثیر امنیت انسانی بر تحقق دفاع همه‌جانبه

نقطه تلاقی امنیت انسانی و دفاع همه‌جانبه در استراتژی‌های تضمین امنیت انسانی است. از یک سو، تضمین امنیت انسانی با از بین بردن تهدیدات بالفعل یا زمینه‌های تهدیدات بالقوه موجب تحقق دفاع همه‌جانبه می‌شود و از سوی دیگر، تحقق امنیت انسانی نیازمند رهیافت دفاع همه‌جانبه می‌باشد. استراتژی‌های تضمین امنیت انسانی را به دو دسته حمایتی^۱ و توانمندسازی^۲ تقسیم می‌کنند. دسته اول، استراتژی‌های حمایتی و حراستی است که هدف طراحان و مؤسسان آنها مقابله با تهدیدها و مخاطره‌هاست. بر این اساس، امنیت انسانی شکل حمایتی و محافظتی دارد، زیرا بنای آن بر این تصور است که افراد و جوامع در معرض تهدیدات مختلفی همچون فقر، تروریسم، آلودگی زیست‌محیطی و... که خارج از کنترل آنهاست، قرار دارند. دسته دوم، استراتژی توانمندسازی یا توانایی انسان‌ها برای کمک به خود یا دیگران است که یکی از اصلی‌ترین کلیدهای امنیت انسانی به شمار می‌رود. ایجاد همین قابلیت، فارق امنیت انسانی از امنیت دولت‌محور است. انسان‌های قدرت‌یافته و توانمند می‌توانند در مواقعی که حقوق و آزادی‌هایشان نقض یا کرامت انسانی و حرمت آنها مخدوش می‌شود، عکس‌العمل نشان داده و حقوق و حرمت خود را مطالبه کنند. این انسان‌ها می‌توانند با استفاده از امکانات محلی و بدون مداخله دولت به حل معضلات خود بپردازند، برای دیگر انسان‌ها نیز فرصت ایجاد کنند و در مواردی همچون سیل و بلایای طبیعی، با امکانات خود به یاری دیگران بشتابند. بخش مهمی از فرایند توانمندسازی به امر آموزش و پرورش برمی‌گردد (قاسمی، ۱۳۸۴: ۸۲۷-۸۲۶).

از دیگر نقطه‌های تلاقی امنیت انسانی و دفاع همه‌جانبه، مردم و جامعه‌محوربودن آن است. در رهیافت دفاع همه‌جانبه که در قسمت‌های قبلی مقاله توضیح داده شد، تأکید بر گسترش دامنه مسئولیت‌های دفاع از یک سازمان، به عنوان نمونه وزارت دفاع یا نیروهای مسلح، به تمامی سازمان‌ها و بلکه کل جامعه بود. رویکرد امنیت انسانی نیز امنیت همه

1. Protection
2. Empowerment

انسان‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد. عبارت «زندگی همه انسان‌ها»^۱ در تعریف امنیت انسانی نشان می‌دهد امنیت انسانی «مردم‌محور»^۲ است نه دولت‌محور یا تهدیدمحور. این سطح از تأکید بر زندگی انسانی، امنیت انسانی را از مفهوم سنتی امنیت یا امنیت ملی که پارادایم مسلط امنیت در قرون نوزدهم و بیستم بود و بر حفاظت از قلمرو دولت ملی تأکید می‌کرد، متمایز می‌کند. از سوی دیگر، واژه انسانی، آنچه‌آنکه استیون لورگان تأکید می‌کند، صرفاً شامل زندگی افراد نمی‌شود و اجتماع آنها یا باهمستان‌ها و باهمادها^۳ را نیز در بر می‌گیرد. اجتماع یا باهمستان جمعی است مانند خانواده گسترده، قصبه، فرقه و مانند آن که در آن زایش فرد و ویژگی‌های انتسابی او تعیین‌کننده نحوه زیست و موقعیت اوست. این تلقی از واژه مردم، امنیت انسانی را از مفاهیم نئولیبرالی همچون امنیت فردی^۴ متمایز می‌کند. همچنین، افزوده «همه انسان‌ها» نشان می‌دهد امنیت انسانی مفهومی همه‌گیر است و از خاص‌گرایی به دور می‌باشد. به بیان دیگر، امنیت انسانی بر اشخاص فارغ از جنسیت، نژاد، مذهب، قومیت، شهروندی و دیگر ویژگی‌های متمایزکننده انسانی تأکید می‌کند. ضمن آنکه امنیت انسان‌ها را وابسته به هم و تفکیک‌ناپذیر می‌داند. در واقع، مطابق این تلقی، امنیت بازی حاصل جمع صفر^۵ نیست، بلکه همچنان‌که کارولین توماس تأکید می‌کند، بازی برد-برد یا باخت-باخت است؛ یعنی چنانچه فرد یا گروهی در معرض تهدید باشد، همه دیگر اجتماعات نیز پذیرای خطری مشابه خواهند بود و اگر فرد یا گروهی در جستجوی امنیت به بهای ناامنی دیگران باشد، در آن صورت، هیچ کس در امان نخواهد بود (پورسعید، ۱۳۸۷: ۵۵۰-۵۴۹).

سومین نقطه تلاقی دفاع همه‌جانبه و امنیت انسانی را می‌توان در دغدغه‌های مربوط به امنیت بین‌الملل مشاهده کرد. رهیافت دفاع همه‌جانبه ضمن توجه جدی به بسیج تمامی امکانات داخلی برای مقابله با هر تجاوز یا تهدید خارجی، اقدامات بین‌المللی کشورها برای

-
1. All Human Lives
 2. People - centred
 3. Communities
 4. Individual Security
 5. a zero ° sum game

کاهش خصومت‌ها را نیز مد نظر داشت. امنیت انسانی نیز با این امر ارتباط دقیق دارد. تهدیدات ناشی از عرصه‌های امنیت انسانی تنها دارای آثار و پیامدهای محلی، ملی و منطقه‌ای نیست بلکه می‌تواند نظم و ثبات بین‌المللی را نیز به خطر بیندازد. این امر واقعیت دارد که در جهان به هم پیوسته و مرتبط، ثبات و نظم بین‌المللی به امنیت انسانی در داخل کشورها وابسته است. همانگونه که هامپسون^۱ و دیگران استدلال کرده‌اند، کشورها بدون امنیت شهروندان‌شان نمی‌توانند امنیت داشته باشند. در سطح بین‌المللی، ناامنی گسترده در درون کشورها، آثار و عواقب سرایت‌کننده به دولت‌ها و مردم همسایه و حتی مناطق دوردست دارد. برای نمونه، در منطقه پائین صحرای آفریقا، مناقشه داخلی پیامدهای مهلک و وخیم محلی، منطقه‌ای و جهانی داشته است (کر، ۱۳۸۴: ۶۰۴). با پایان جنگ سرد و فروکش کردن خصومت بین قدرت‌های بزرگ، توجهات به طور روزافزونی به جنگ‌ها و منازعات اجتماعی داخلی، ستیزه‌های قومی و فجایع انسانی متعاقب آن معطوف گشت. در بسیاری از بخش‌های جهان، تباین میان نظم داخلی و بی‌نظمی بین‌المللی اشتباه از آب درآمد، به گونه‌ای که در بسیاری از موارد «قانون و نظم» در عرصه بین‌المللی بیشتر از خیابان‌های بسیاری از کشورهایی که قادر به تضمین حتی کوچک‌ترین شرایط نظم اجتماعی نبودند، مشاهده می‌شد. افزون بر این، در آن جاهایی که صلح و آرامش داخلی وجود داشت، مشخص شد که این صلح و آرامش بیش از آنکه متکی به اقتدار قدرت مرکزی، قانون یا احساس اجتماعی باشد، به توازن قدرت بین گروه‌هایی که آماده کاربرد زور بوده‌اند، متکی است. (هورل، ۱۳۸۰: ۱۲۶). بر این اساس، برای تضمین امنیت کشورها که تضمین‌کننده امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی نیز می‌باشد، رهیافت دفاع همه‌جانبه باید برطرف کردن ضعف‌های کشور در عرصه‌های مرتبط با امنیت انسانی را نیز در برگیرد.

چهارمین نقطه تلاقی امنیت انسانی و دفاع همه‌جانبه، عرصه توسعه است. گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳ سازمان ملل متحد تأکید کرده که امنیت انسانی شبیه توسعه

1. Hampson

انسانی است، چرا که هر دو با رفاه انسان‌ها و آزادی‌های اساسی سر و کار دارد. با وجود این، توسعه انسانی بر دستیابی به رشد و توزیع برابر منافع آن بین مردم معطوف است، اما امنیت انسانی از آن فراتر می‌رود و شرایطی را که بقا، استمرار زندگی روزانه و شأن انسان را تهدید می‌کند، مورد بررسی قرار می‌دهد (Chourou, 2005: 16). از سوی دیگر، امنیت ملی حتی به مفهوم سنتی آن نیازمند تجهیزات پیشرفته، منابع مالی کافی و توانمندی همکاری و هماهنگی است. تحقق این الزامات نیازمند درجه‌ای از توسعه‌یافتگی جامعه است. بر این اساس، ایده امنیت انسانی دو حوزه توسعه و امنیت را به هم پیوند داده است. متخصصان حوزه توسعه فرصت را غنیمت شمردند تا از طریق پیوند امنیت انسانی با توسعه انسانی در حوزه امنیت نظامی و سیاست خارجی، منابع سیاسی و اقتصادی بیشتری به دست آورند. متخصصان حوزه امنیت نیز برای فتح دروازه‌های جدید همین اهداف را مد نظر داشتند (گینگ و موری، ۱۳۸۳: ۵). در نگرش‌های جدید به امنیت، نگاه به مرجع امنیت و رشد اقتصادی متفاوت است. رشد اقتصادی برای رهایی افراد از فقر و نیاز ضرورت امنیت انسانی است، اما رشد اقتصادی کشور نباید دلیلی بر گسترش نیاز در بخش دیگر جامعه باشد یا به جنبه‌های دیگر امنیت انسانی لطمه بزند. رشد اقتصادی با لحاظ کردن همه ابعاد انسانی از جمله محیط زیست قابل قبول است. از این رو، طرفداران امنیت انسانی بیش از رشد اقتصادی بر توسعه پایدار تأکید دارند که در آن، هم نیازهای انسانی همه افراد در نظر گرفته می‌شود و هم ابعاد زیست‌محیطی که نیازی اساسی برای جامعه انسانی است، در سیاست‌گذاری و اجرا لحاظ می‌گردد (یزدانفام، ۱۳۸۸: ۱۷). برای اینکه یک انسان امنیت داشته باشد، او باید مجموعه‌ای از منابع اساسی اعم از مادی و روانی را که مجموعه ضروری غیرمحموسوسی از نهادها و شرایط برای ثبات و رفاه را تشکیل می‌دهد، داشته باشد. این مجموعه باید قبل از اینکه از انسان انتظار پذیرش یا مشارکت در یک استراتژی توسعه وجود داشته باشد، فراهم شود. به طور خلاصه، امنیت انسانی باید از قبل و به عنوان پیش‌شرطی برای اجرای موفق استراتژی توسعه انسانی ایجاد شود (Arie, 2000:10).

جدول شماره ۴: ارتباط متقابل توسعه انسانی و امنیت انسانی

امنیت انسانی	توسعه انسانی	
توانمندکردن مردم برای اجرای انتخاب‌های آزادانه با تضمین اینکه فرصت ایجاد شده توسعه در امروز، در آینده از بین نخواهد رفت (UNDP, 1994).	توسعه سطح انتخاب‌های انسان اعم از اقتصادی، سیاسی و فرهنگی (Mahbub ul Haq)	جوهر تعاریف
امنیت، ثبات، پایداری منافع توسعه	رفاه	ارزش‌ها
نگاه به اینکه چه کسی در سطح شخصی عقب مانده است: «تفرقه باعث سقوط ما می‌شود»	حرکت به جلو تصاعدی و تجمعی است: «ما با هم پیشرفت می‌کنیم»	جهت‌گیری‌ها
ترکیب اقدامات کوتاه مدت برای مقابله با خطرات با اقدامات پیشگیرانه بلند مدت	بلند مدت	دوره زمانی
جلوگیری از تنزل با امنیت: شناسایی خطرات، پیشگیری به منظور پرهیز از آنها از طریق مقابله ریشه‌ای، آماده‌سازی برای کاهش آنها، ایجاد تمهیدات برای مقابله با حملات	رشد همراه با عدالت: توسعه انتخاب‌ها و فرصت‌های مردم به منظور ارزشمندکردن زندگی‌ها	اهداف کلی
حفظ و ترویج بقای انسانی (رهایی از ترس)، زندگی روزانه (رهایی از نیاز) و اجتناب از هتک حرمت (زندگی احترام‌آمیز)	توانمندسازی، تحمل‌پذیری، برابری و بهره‌وری	اهداف سیاستی

Source: Senja Korhonen Training Manual Human Security in Peacebuilding

و. پایش امنیت انسانی از منظر دفاع همه‌جانبه

در رویکرد سنتی، آمادگی دفاعی نیازمند پایش مستمر توانمندی‌های دفاعی و رصد مستمر تهدیدات احتمالی است. این امر در حوزه‌هایی همچون تربیت و آموزش نیروها، کسب اطلاعات، نوسازی تجهیزات و شیوه‌های استفاده از آنها از طریق رزمایش‌های میدانی انجام می‌شود. در رهیافت دفاع همه‌جانبه، از آنجا که فقدان امنیت انسانی به عنوان تهدید موجب خدشه‌دار شدن آمادگی دفاع همه‌جانبه می‌شود، ارزیابی مستمر وضعیت امنیت انسانی جامعه برای هشدارهای اولیه به منظور مقابله با تهدیدات احتمالی ناشی از این عرصه ضرورت دارد.

به دلیل اینکه فهرست جامع و مانعی از تهدیدات حوزه امنیت انسانی وجود ندارد، شیوه‌های ارزیابی نیز ممکن است متفاوت باشد. یکی از رویکردهای ارزیابی امنیت انسانی، رویکرد فضایی است. هدف این رویکرد که به رویکرد اطلاعات جغرافیایی معروف شده است، مشخص کردن محل و مردمان متأثر از تهدیدات است. این سیستم امکان جمع‌آوری، سازمان‌دهی و تحلیل فضایی اطلاعات مربوط به امنیت انسانی را فراهم می‌کند. این روش نقاطی را که در داخل کشور بیشترین تهدیدات در آنجا علیه امنیت انسانی وجود دارد به صورت کانون‌های حساس در نظر می‌گیرد. این شیوه ارزیابی، امنیت انسانی را در سه مرحله ارزیابی تهدید، جمع‌آوری و سازماندهی داده‌ها و مصورسازی و تحلیل آنها انجام می‌دهد (قاسمی، ۱۳۸۵: ۲۷۰-۲۶۹).

یکی دیگر از شیوه‌های سنجش امنیت انسانی از منظر دفاع همه‌جانبه، می‌تواند بر اساس شاخص ناامنی انسانی^۱ باشد. این شاخص که بر اساس «پروژه تغییر زیست‌محیطی جهان و امنیت»^۲ بنا شده، بر این گزاره استوار است که محیط زیست و جامعه با یکدیگر ارتباط متقابل دارند. این برنامه تأکید می‌کند که «بحران‌های زیست‌محیطی غالباً نتیجه تغییر جهانی زیست‌محیطی است که همراه با افزایش روزافزون جوامع آسیب‌پذیر به ناامنی و حتی منازعه منجر می‌شود. در این چارچوب، امنیت تنها هنگامی به دست می‌آید که افراد قادر به پایان‌دادن یا تطبیق با تهدیدات زیست‌محیطی، اجتماعی یا حقوق بشری خود باشند. برای سنجش ناامنی‌ها،

1. Index of Human Insecurity (IHI)

2. Global Environmental Change and Human Security Project (GECHS)

شاخص ناامنی انسانی ایجاد شده تا به شناسایی و دسته‌بندی مناطق آسیب‌پذیر یا ناامن کمک کند. مقوله‌های اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی و نهادی به عنوان مقوله‌های اصلی این شاخص تعیین شده که هر کدام از آنها چهار نشان‌گر دارد. انتخاب این نشان‌گرها نیز بر مبنای معیارهایی همچون سازگاری با شاخص، ارتباط با چارچوب انتخاب‌شده، وجود ارتباط نظری یا تجربی، دسترسی به داده و کفایت پوشش مکانی صورت گرفته است (Eldering, 2010: 31-32).

جدول شماره ۵: شاخص ناامنی

واردات خالص انرژی (درصد مصرف تجاری انرژی) فرسایش خاک (تن سال) آب سالم (درصد جمعیتی که به آن دسترسی دارند) زمین قابل کشت (هکتار هر نفر)	محیط زیست
تولید ناخالص داخلی سرانه (دلار) رشد تولید ناخالص ملی سرانه (درصد سالانه) نرخ بیسوادی بزرگسالان (درصد جمعیت بیسواد بالای ۱۵ سال) ارزش واردات و صادرات کالاها و خدمات (درصد تولید ناخالص داخلی)	اقتصاد
رشد جمعیت شهرنشین (درصد سالانه) جمعیت جوان (درصد جمعیت زیر ۱۴ سال نسبت به کل جمعیت) نرخ مرگ‌ومیر مادران (در هر ۱۰۰ هزار تولد) امید به زندگی (سال)	اجتماع
هزینه‌های دولتی دفاعی در مقایسه با هزینه آموزش و پرورش ابتدایی و متوسطه (درصد تولید ناخالص داخلی) سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص داخلی (درصد تولید ناخالص داخلی) درصد دمکراتیزه‌شدن (بر اساس مقیاس ۱-۷) شاخص آزادی انسانی (بر اساس مقیاس ۰-۴۰)	نهادهای

یکی دیگر از روش‌های سنجش امنیت انسانی، نگاشت امنیت انسانی^۱ است. این روش که از سوی تیلور اوون^۲ بر اساس تعریف کمیسیون امنیت انسانی سازمان ملل مبنی بر اینکه امنیت انسانی محافظت از همه انسان‌ها در مقابل تهدیدات اساسی و فراگیر اقتصادی، زیست‌محیطی، بهداشتی، غذایی، سیاسی و شخصی است، ارائه شده و شامل سه مرحله ارزیابی تهدید، جمع‌آوری و ساماندهی داده‌ها و تصویرسازی و تجزیه و تحلیل آنهاست (Eldering, 2010: 35-36) که در جدول شماره ۶ آمده است.

جدول شماره ۶: نگاشت امنیت انسانی

مرحله اول - ارزیابی تهدید																	
زیست‌محیطی			اقتصادی			سیاسی			شخصی			بهداشتی			غذایی		
الف	ب	ج	الف	ب	ج	الف	ب	ج	الف	ب	ج	الف	ب	ج	الف	ب	ج
مرحله دوم - جمع‌آوری اطلاعات																	
استان		اقتصادی			سیاسی												
الف	ب	ج	الف	ب	ج	الف	ب	ج	الف	ب	ج	الف	ب	ج	الف	ب	ج
۱																	
۲																	
۳																	
مرحله سوم - تصویرسازی و تجزیه و تحلیل																	
استان		اقتصادی			سیاسی												
الف	ب	ج	الف	ب	ج	الف	ب	ج	الف	ب	ج	الف	ب	ج	الف	ب	ج
۱	۱	۲	۲	۱	۱	۱	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

1. The Human Security Mapping
2. Taylor Owen

یکی دیگر از ابزارهای سنجش امنیت انسانی ماتریس نیازها، آسیب‌پذیری‌ها و قابلیت‌های امنیت انسانی^۱ است که در جدول شماره ۷ آمده است. وقتی اطلاعات مربوط به امنیت انسانی جمع‌آوری شد، ماتریس نیازها، آسیب‌پذیری‌ها و قابلیت‌های امنیت انسانی، وضعیت مکانی برای نگرانی، شناسایی و تجزیه و تحلیل تهدیدات، نیازها و قابلیت‌های شناسایی شده جامعه‌ای که تحت تأثیر ناامنی انسانی قرار گرفته است را فراهم می‌کند. این نگرانی برای نیازهای تحلیلی رهیافت امنیت انسانی تنظیم شده تا ضمن مدیریت پیچیدگی‌های امر، فرصت مشاهده مواردی همچون ارتباط تهدیدات شدید و گسترده با آسیب‌پذیرها را فراهم و راهبردهای لازم را برای مقابله با ناامنی‌های شناسایی شده بر مبنای قابلیت‌های موجود در مکان‌های تحت تأثیر ناامنی ارائه کند (Human Security in Theory and Practic, nd: 15).

جدول شماره ۷: ماتریس نیازها، آسیب‌پذیری‌ها و قابلیت‌های امنیت انسانی

قابلیت‌ها	نیازها/ آسیب‌پذیری‌ها									تهدیدات
	محلی			ناحیه‌ای			ملی			
	وضعیت اجتماعی- اقتصادی	سن	جنسیت	وضعیت اجتماعی- اقتصادی	سن	جنسیت	وضعیت اجتماعی- اقتصادی	سن	جنسیت	
										اقتصادی
										غذایی
										بهداشتی
										زیست محیطی
										شخصی
										اجتماعی
										سیاسی

با توجه به اینکه در روند بسیج امکانات در میسر تحقق دفاع همه‌جانبه، پایش مستمر وضعیت امنیت انسانی جامعه اهمیت زیادی دارد، استفاده از چارچوب‌های تحلیلی و نیز سنجه‌های مختلفی که در این خصوص وجود دارد، از جمله چند مورد فوق بسیار مهم است. البته، تردیدی نیست که باید با استفاده از این چارچوب‌های تحلیلی و ابزارهای سنجش جامعه ما بتواند به چارچوب‌های تحلیلی بومی و نیز سنجه‌های متناسب با شرایط ملی و محلی خود دست یابد.

نتیجه‌گیری

بررسی‌های این مقاله نشان داد دفاع همه‌جانبه و امنیت انسانی دو رهیافتی هستند که در پرتو تحولات فضای امنیتی جهان در سه دهه گذشته و نیز نتیجه مطالعات جدید امنیتی شکل گرفته‌اند. رهیافت دفاع همه‌جانبه، منازعات بین کشورها را صرفاً نظامی نمی‌داند و بر تجاوزها و تهدیدهای غیر متعارف که قصد از بین بردن همبستگی اجتماعی و در هم شکستن اقتصاد و تحلیل توان ملی را دارند، معطوف شده است. این رهیافت در جستجوی پاسخ‌های فراگیر و کامل برای مقابله با همه انواع این تهدیدها و چالش‌ها می‌باشد. رهیافت امنیت انسانی نیز تهدید علیه انسان‌ها را دارای ابعاد اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست‌محیطی، شخصی، اجتماعی و سیاسی می‌داند. این رهیافت بر رویکردهای مردم‌محور، چندبخشی، جامع، خاص و پیش‌گیری‌محور تأکید دارد. مفروض‌ها و اصول دو رهیافت دفاع همه‌جانبه و امنیت انسانی از ارتباط این دو رهیافت در تأمین امنیت جامعه و تقویت توان دفاعی در مقابل هر گونه تهدید یا تجاوز احتمالی حکایت می‌کند، به طوری که می‌توان گفت این دو رهیافت لازم و ملزوم هم هستند. بدون تأمین امنیت انسانی نمی‌توان در عرصه دفاع همه‌جانبه موفق بود و در طرف مقابل، ایجاد امنیت انسانی بستر و زمینه بسیاری از تهدیدات و چالش‌ها علیه امنیت ملی جامعه را که مقابله با آن دغدغه اصلی رهیافت دفاع همه‌جانبه است، از بین می‌برد.

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹)؛ «امنیت در حال گذار: تحول مفهوم امنیت در قرن بیست و یکم»، *مطالعات راهبردی*، سال سوم، شماره ۴، شماره مسلسل ۱۰، صص ۴۷-۲۷.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۷)؛ «امنیت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات راهبردی*، سال یازدهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۴۱، صص ۵۷۰-۵۴۵.
- خلیلی، رضا (۱۳۸۴)؛ «امنیت، سیاست و استراتژی؛ تقارن تحول تاریخی - گفتمانی»، *مطالعات راهبردی*، سال هشتم، شماره ۴، شماره مسلسل ۳۰، صص ۷۶۴-۷۳۹.
- قاسمی، محمد علی (۱۳۸۵)؛ «الگوهای سنجش و مطالعه امنیت انسانی»، *مطالعات راهبردی*، سال نهم، شماره ۲، شماره مسلسل ۳۲، صص ۲۷۴-۲۵۹.
- قاسمی، محمد علی (۱۳۸۴)؛ «امنیت انسانی: مبانی مفهومی و الزامات راهبردی»، *مطالعات راهبردی*، سال چهارم، شماره مسلسل ۳۰، صص ۸۳۱-۸۱۷.
- کر، پائولین (۱۳۸۴)؛ «امنیت انسانی»، *مطالعات راهبردی*، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، سال یازدهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۴۱، صص ۶۲۶-۶۰۱.
- گینگ، کری و موری کریستوفر (۱۳۸۳)؛ «بازاندیشی در امنیت انسانی»، ترجمه مرتضی بحرانی، *مطالعات راهبردی*، سال هفتم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۲۶، صص ۲۵-۱.
- نصری، قدیر (۱۳۹۰)؛ «تأملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های «باری بوزان» در بررسی امنیت»، *مطالعات راهبردی*، سال چهاردهم، شماره ۴، شماره مسلسل ۵۴، صص ۱۲۴-۱۰۵.
- هورل، اندرو (۱۳۸۰)؛ *ناامنی جهانی: بررسی چهره دوم جهانی شدن*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- یزدانی، عنایت‌الله و محمد خدابنده (۱۳۹۰)؛ «امنیت در عصر پسا مدرن: بررسی تحولات»، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۲۵، صص ۲۰۱-۱۶۳.
- یزدانفام، محمود (۱۳۸۸)؛ «دولت‌های شکننده و امنیت انسانی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال دوازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸، شماره مسلسل ۴۶، صص ۳۶-۵.

- Arie, Sam (2000); *Human Security: A Framework for Assessment In Conflict and Transition*, US Agency for International Development and Tulane University.
- Bajpai, Kanti (2000); *Human Security: Concept and Measurement*, Kroc Institute Occasional Paper no.19: OP: 1.
- Bland, Douglas L. (2005); *Transforming National Defence Administration*, Claxton Paper 6.
- Chourou, Bechir (2005); *Promoting Human Security: Ethical, Normative and Educational Frameworks in the Arab States*, Section of Philosophy and Human Sciences, Social and Human Sciences Sector. UNESCO, France.
- Dunne, Paul Fanny Coulomb (2008); *Peace, War and International Security: Economic Theories*. School of Economics, University of the West of England, Bristol.
- Eldering Marije (2010); "Measuring Human (In-) Security", *Human Security Perspectives*, Volume 7 (2010), Issue 1.
- Human Security in Theory and Practice: Application of the Human Security Concept and the United Nations Trust Fund for Human Security*, Human Security Unit Office for the Coordination of Humanitarian Affairs. United Nations.
- Jolly Richard and Deepayan Basu Ray (2006); *The Human Security Framework and National Human Development Reports: A Review of Experiences and Current Debates*, United Nations Development Programme. National Human Development Report Unit
- Korhonen, Senja (2009); *Training Manual Human Security in Peacebuilding*, Human Security Training Programme, CMC Finland.
- Prezelj, Iztok (2008); "Challenges in Conceptualizing and Providing Human Security", *HUMSEC Journal*, Issue 2. April 2008.
- Prime Minister (2011); "Preparedness and comprehensive security Committee report", PMMM MTTTTTTTTTTFFF EEE UNDP 1994, *Human Development Report 1994*, New York: OUP.
- Ylitalo, Tero (2010); *COMPREHENSIVE DEFENCE APPROACH: The Finnish "whole of government approach"*, The Security and Defence Committee Ministry of Defence.